

## قانون اصول محاکمات حقوقی

۵ - قرابت نسبی ممکن است در خط مستقیم باشد و ممکن است در خط اطراف واقع شود در صورت اول جامعی در بین نبوده و رابطه قرابت مطابق تعریف آن مستقیم می باشد در صورت ثانی بایستی ابتداء بجامع رسیده و پس از آن نزول کرده بطرف دیگر برسد خط قرابت مستقیم ممکن است صعودی باشد مثل رابطه اولاد با پدر و اجداد و نزولی باشد مثل رابطه عکس رابطه اول یعنی رابطه پدر و جد نسبت با اولاد خود .

در قرابت نسبی به خط مستقیم تعیین درجات با شمارش عده انسان بعمل می آید مثلاً رابطه بین پدر و پسر قرابت نسبی درجه اول و رابطه بین جد و نوه رابطه نسبی درجه دوم محسوب میشود .

در قرابت در خط اطراف بایستی ابتداء از شخصی که میخواهند درجه قرابت او را تعیین کنند بشخص جامع صعود کرده و از جامع نسبت بشخص دیگر نزول کنند مثلاً برای تعیین قرابت نسبی در خط اطراف بین دو برادر (که ساده ترین صورت این قرابت می باشد) بایستی تا پدر که جامع نسبت است صعود کرده و دوباره از پدر نسبت ببرادر دیگر نزول کرده و بنابراین رابطه بین دو برادر در قرابت نسبی خط اطراف در درجه دوم واقع میشود و رابطه بین دو برادر زاده با عموی خود درجه سوم و همینطور روابط مختلف .

از ذکر این مقدمه بخوبی معلوم میگردد که در قرابت نسبی در خط اطراف قرابت درجه اول یافت نمی شود چنانکه در این قرابت نزدیکترین اشخاص بیکدیگر که دو برادر یا خواهر یا خواهر و برادر هستند درجه دوم واقع میشوند .

۵ - وقتی که حاکم یا یکی از متداعیین یا اشخاصی که با آنها قرابت نسبی یا نسبی تا درجه سوم دارند محاکمه جنائی و جنحه داشته و هنوز پنج سال در صورت جنائی و دو سال در صورت جنحه از زمان آن محاکمه نگذشته باشد .

۶ - در صورتی که مابین حاکم و یکی از متداعیین و یا زوجه او محاکمه حقوقی در محکمه دیگر مطرح باشد .

۷ - وقتی که حاکم سابقاً اظهار شقیده کتبی در باب دعوا کرده باشد بدیهی است مواردی که قانون اجازه داده است از قبیل رسیدگی بمنوان اعتراض و حکم غیابی و اعاده محاکمه منظور نیست .

۸ - وقتی که حاکم سابقاً در موضوع دعوا توصیه کرده و یا در مراجع رسمی شهادت داده باشد .

۹ - وقتی که حاکم از تاریخ طرح دعوا به نزول یکی از متداعیین یا وکلای آنها بهممانی رفته باشد .

نظر با اشاره ای که در مواد فوق راجع به قرابت حاکم یا زوجه اش با متداعیین شده لازم است مختصراً قرابت را تعریف نمود .

قرابت رابطه ای است که بین اشخاص بواسطه هم خونی و یا در نتیجه وصلت حاصل می شود در صورت اول آن قرابت نسبی و در صورت ثانی آن را قرابت نسبی میگویند .

قرابت نسبی که بواسطه هم خونی تولید می شود در نتیجه شرکت اشخاص در يك نسب متحد تولید شده که آن شخص را جامع نسب آنها مینامند مثل قرابت پسر عموها با یکدیگر .

قرابت سببی بواسطه وصلت پیدا می شود باین طریق که زوج با اقوام زوجه و زوجه با اقوام زوج قرابت پیدا میکنند .

### اظهارات اتقاقی

بطورنی که قبلا اشاره شد اظهارات اتقاقی از وسایل دفاع حقیقی نبوده بلکه وسایل و وقایعی است که بطور مستقیم و یا غیر مستقیم با دعوی مربوط و در بدو اقامه آن یا در ضمن جریان احد متداعیین و یا اشخاص ثالث یوسایل مزبور متوسل میشوند مهمترین این اظهارات عبارت است از تقاضای تأمین مدعا به و دعاوی متقابل و مداخله شخص ثالث .

**تأمین مدعا به - در موافقی که مدعی دارای اسناد و ادله محکمی است و یا مدعا به در معرض تضییع و تفریط می باشد چنین اقتضا میکند که قبل از ختم دعوا بتقاضای مدعی مدعا به تأمین شود ماده پنج قانون تأمین مدعا به در سه مورد محکمه را مکلف به صدور قرار تأمین نموده است .**

۱ - هر گاه مستند دعوی سند رسمی باشد یا سند عادی که دارای اعتبار سند رسمی شده است .

۲ - هر گاه مستند دعوی سند عادی بوده ولی مدعی علیه در صدد تضییع و تفریط مدعا به باشد .

۳ - هر گاه مستند دعوا سند عادی است و مدعی برای جبران خساراتی که ممکن است از تأمین بطرف وارد شود و محکمه میزان آنرا تعیین خواهد کرد تأمین بدهد بدیهی است که در مورد اول پس از درخواست مدعی و در مورد ثانی پس از درخواست او و تشخیص اینکه مدعا به در معرض تضییع و تفریط مدعی علیه میباشد و در مورد سوم پس از درخواست و تأمین جبران خسارات احتمالی محکمه مکلف است که قرار تأمین را صادر کند ماده ۶ قانون تأمین مدعا به بدون ابلاغ تقاضای مدعی بمدعا علیه در صورت انطباق مورد بایکدی از سه مورد فوق محکمه را مکلف بصورت قرار تأمین نموده است .

این نکته را باید در نظر داشت که صدور قرار تأمین محدود به مورد فوق مذکور در ماده ۵ قانون تأمین مدعا به نیست زیرا ماده ۷ قانون مزبور بمحکمه اجازه داده است که در موارد دیگر نیز اگر مدعا به را در معرض تضییع و تفریط از طرف مدعا علیه به بیند با گرفتن تأمین برای جبران خسارات احتمالی طرف قرار تأمین مدعا به را صادر نماید .

تقاضای تأمین مدعا به تا اعلان ختم محاکمه در مرحله بدوی قابل قبول است و پس از صدور حکم حضوری یا حکم غیابی که مدت اعتراض آن نیز گذشته باشد محکوم له میتواند تقاضای تأمین محکوم به را از محکمه که حکم بدوی را صادر کرده بنماید و تقاضای تأمین محکوم به وقتی قابل ترتیب اثر است که تقاضای تأمین مدعا به نگردیده و قرار آن صادر نشده باشد .

هر گاه يك مرتبه تقاضای تأمین رد شد مدعی می تواند با تقدیم دلایل جدیدی تقاضای خود را تجدید کند .

صدور قرار تأمین مدعا به یا محکوم به از وظایف محکمه بدوی بوده و بهیچوجه در محکمه استیناف پذیرفته نمی شود .

قرار تأمین مدعا به پس از ابلاغ بمدعا علیه و قرار تأمین محکوم به پس از ابلاغ بمحکوم علیه بلافاصله بایستی بموقع اجرا گذارده شود مگر در صورتیکه مدعا علیه یا محکوم علیه در محل اجراء قرار حاضر بوده و بدان اعتراض کند و در این صورت مشارالیه ملزم است که اموال مورد تأمین را انتقال بغير ندهد تا تکلیف قرار معلوم شود .

هر گاه مدعا علیه غایب باشد و اموالی نزد اشخاص ثالث داشته باشد و ابلاغ قرار باعث تضییع و تفریط مدعا به گردد در این صورت قرار بدون ابلاغ بموقع اجرا گذارده میشود و مدعا علیه میتواند نسبت بان اعتراض نماید .

مدت قبول اعتراض نسبت بقرار تأمین از تاریخ ابلاغ ده روز است .